

چگونگی انتقال مفاهیم هنر معماری ایران به اتریش در عصر صفوی

رقیه جوادی*

چکیده

روابط هنری ایران و اروپا در قرن ۱۱ ه.ق/۱۷ م به دنبال برقراری روابط سیاسی و تجاری میان سلاطین صفویه به ویژه، شاه عباس اول و کشورهای اروپایی از جمله امپراتوری هابسبورگ به اوج خود رسید. از این رو هیأت های سیاسی و تجاری بین این دو امپراتوری به منظور عقد قراردادهای سیاسی و تجاری به آمد و شد پرداختند. از رویدادهای دیگر قرن ۱۱ ه.ق/۱۷ م آمدن سیاحان اروپایی به ایران عصر صفوی بود که با نوشتن گزارش هایی در مورد ایران و آثار تاریخی آن نقش مهمی در شناساندن ایران به اروپاییان داشتند. انتشار سفرنامه های این سیاحان در اروپا یکی از مهمترین راههای انتقال مفاهیم هنرمعماری ایران به اروپا به ویژه در میان معماران اتریشی بوده است. بنابراین این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به بررسی زمینه‌های تاریخی‌ای که منجر به دادوستدهای فرهنگی-تمدنی به ویژه در حوزه معماری بین ایران و اتریش در دوره صفوی شده است پرداخت و تأثیراتی را که این نفوذ هنری در معماری شهر وین (پایتخت اتریش) داشته است، مورد مطالعه قرار داد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که در دوره صفویه تحت تأثیر راههای ارتباطی با اروپا؛ نقل و انتقالات هنری از طریق هیأت های سیاسی و انتشار سفرنامه‌های سیاحان در اروپا، مضامین هنری به ویژه هنرمعمای ایران به اروپا منتقل شد و تحت تأثیر این مضامین معماری، برخی از معماران اتریشی عماراتی مانند کاخ شون برون، کاخ بلودر، کاخ کلس‌هایم و کلیسای سنت کارل را متأثر از معماری اصفهان در اتریش ساختند.

* دکتری تاریخ، گرایش ایران بعد از اسلام از دانشگاه شیراز، roghaiejavadi1987@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۴

Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

کلیدواژه‌ها: تأثیر، معماری، اصفهان، اتریش، صفوی.

۱. مقدمه

با آغاز سلطنت سلسله‌ی صفوی در قرن ۱۰هـ.ق/۱۶م با مرادوات و آشنایی میان ایران و اتریش باز شد. این امر به دنبال سیاست نگرش خاندان هابسبورگ به شرق به خصوص با کشورهای مسلمان توسعه یافت. از دوره‌ی امپراتوری «کارل پنجم»^۱ که اسپانیا و هلند به امپراتوری اتریش پیوستند، این امپراتوری قدرت عظیمی یافت و با توجه به تناقضات ما بین دو امپراتوری اتریش و عثمانی^۲، مقدمات برقراری روابط رسمی بین ایران و اتریش فراهم گشت. رقابت امپراتوری مسلمان عثمانی با امپراتوری مسیحی هابسبورگ باعث شد که امپراتوری اتریش به فکر یافتن متحدینی در منطقه علیه عثمانی باشد. با توجه به قدرت گیری خاندان صفوی در ایران (۹۰۷هـ.ق/۱۵۰۱م) خاندان هابسبورگ به فکر ایجاد رابطه با خاندان صفوی و انعقاد پیمان دوستی با آنها افتادند (راعی، ۱۳۷۳: ۲۴۵). از این رو برخی از سلاطین هابسبورگ برای داشتن متحدی علیه عثمانی هیأت‌هایی را به دربار ایران فرستادند، اهمیت یافتن این موضوع که دغدغه‌ی سلاطین صفوی نیز بود، منجر به فرستادن هیأت‌های متقابل در این زمینه گردید. این امر به مرور در ایجاد مفاهیم و نقل و انتقالات فرهنگی و تمدنی میان دو کشور نقش مهمی داشت.

با این سیر تاریخی مختصر از پیشینه‌ی روابط ایران و اتریش در عصر صفوی، سعی در شناخت روابط فرهنگی و دادوستدهای تمدنی میان این دو امپراتوری داریم.

با نگاهی به معماری گذشته‌ی ایران درمی‌یابیم که معماری ایران از دیرباز ظرفیت فراوانی در انتقال مضامین فرهنگی با تمدن‌های بزرگ از جمله اروپا داشته است. برای مطالعه‌ی چگونگی پرداختن به تأثیر هنر معماری اصفهان عصر صفوی بر معماری وین در اتریش، ناگزیر از بررسی راههای انتقال هنر معماری ایران بر اتریش هستیم؛ که این مسأله گامی مؤثر در روشن نمودن روابط هنری ایران و اتریش ارائه می‌دهد که می‌توان آن را از طریق مطالعه‌ی راه‌های نفوذ هنر معماری ایران بر اروپا و تأثیراتی که بر معماری ایران و اتریش بر جای گذاشته است، مشاهده نمود.

۲. راههای تأثیرگذاری هنر معماری ایران بر اتریش در عصر صفوی

پرداختن به روابط فرهنگی و هنری ایران و اتریش و بررسی چگونگی تأثیر هنری ایران بر اروپا در این عصر مستلزم شناخت راههای انتقال و شیوه‌هایی است که موجبات دادوستدهای فرهنگی و هنری را در دوره صفویه فراهم آورد. نقل و انتقالات هنری از طریق هیأت‌های سیاسی و سفرنامه‌ها از مهمترین کانال‌های دادوستد در این دوره به شمار می‌روند.

۳. نقل و انتقالات هنری از طریق هیأت‌های سیاسی

اولین تماس میان ایران و اتریش در دوره صفویه در قالب روابط سیاسی و تجاری بوده است. بدون شک اندیشه شناخت بیشتر دو امپراتوری هابسبورگ و صفویه از یکدیگر در جریان آمد و شد هیأت‌های سیاسی منجر به نقل و انتقالات مفاهیم و اندیشه‌های هنری بین آن‌ها از طریق هدایایی که برای یکدیگر توسط سفرا ارسال می‌نمودند، شد. برای توضیح بیشتر در این زمینه می‌توان به هدایایی که سفرای هر دو امپراتوری برای متحد خود می‌بردند، اشاره نمود:

«ایرانیان...سفیرانی به دربارهای غرب می‌فرستادند و آثار هنری را به صورت هدایایی سیاسی به همراه می‌بردند، این بخش از روابط میان ایران و اروپا در دوران شهریاری شاه عباس نقش مهمی بر عهده داشته است» (مورگنسترن، ۱۳۸۷: ۳/ ۱۶۱۱).

بنابراین در قالب این روابط، نخستین آثار هنری ایران به اتریش منتقل گردید و آن قالی‌های نفیس ایرانی بود که به عنوان هدیه از طرف سلاطین ایران به اتریش فرستاده شد و مجموعه‌ای کم نظیری از آن‌ها در کلکسیون سلطنتی خاندان «هابسبورگ» و در کلکسیون‌های سلطنتی «ویتلسباخ» Wittelsbach گردآوری گردید. یکی از معروف‌ترین این قالی‌ها، قالی معروف به «شکارگاه» شاه عباسی است که اکنون در موزه هنرهای دستی وین نگهداری می‌شود و برخی آن را نفیس‌ترین قالی جهان دانسته‌اند (شفا، ۱۳۴۸: ۵۳۵).

شاردن نیز از شاهکارهای هنری که از کشورهای چین، آلمان و ایتالیا و دیگر پادشاهان اروپایی برای سلاطین صفویه فرستاده می‌شد و در خزائن آنها دیده می‌شد، سخن می‌گوید:

... [و از] زیباترین مصنوعات و گرانبهاترین اشیاء و اجناس جهان که از آلمان و ایتالیا، از چین و از تمام نقاط صادرکننده نفیس‌ترین مصنوعات دنیا فراهم آمده؛ کرات زمین، کرات افلاک و آسمان، دوربین، پرده های نقاشی که هدایای پادشاهان اروپا به شرکت های اروپایی است، مشاهده می گردد (شاردن، ۱۳۴۵: ۷/ ۲۷۰).

بنابراین حضور سفرای هر دو امپراتوری و هدایای همراه آن‌ها می تواند به عنوان نخستین راه مستقیمی ذکر شود که منجر به آشنایی ایرانیان با آثار هنری اروپا شد و همچنین زمینه‌ی آشنایی اروپاییان با مضامین فرهنگی و تمدنی ایران را فراهم آورد.

۴. سفرنامه‌ها

از سده پانزدهم میلادی، اروپا با جنبش رنسانس همراه شد. نهضتی که به دنبال آن تحولی نو و بنیادین در همه‌ی زمینه‌ها به ویژه هنر و معماری ایجاد نمود و دامنه‌ی آن نیز از ایتالیا به سایر جوامع اروپایی گسترش یافت. رشد انگیزه‌ها و علاقمندی اروپاییان به پژوهش در تاریخ، فرهنگ و تمدن ملل و سفر به بلاد دور و نزدیک جهان را از دستاوردهای مهم آن می‌توان برشمرد. ایران همزمان با تحولات ناشی از رنسانس اروپا، یکی از مهم‌ترین ادوار تاریخ سیاسی، فرهنگی و هنری خود را پشت سر می‌گذاشت. در این دوران پر تلاطم، روحیه‌ی سیاحت و ماجراجویی در میان اروپاییان رشد کرد. به دنبال آن سیاحان بسیاری به ایران آمدند و به تأمل درمورد شیوه‌های زندگی، آداب و رسوم، اعتقادات و آثار فرهنگی - تمدنی سرزمین‌های مشرق زمین پرداختند. ایران عصر صفوی، به دلیل داشتن موقعیت سوق‌الجیشی، سیاسی و اقتصادی، مورد توجه اروپائیان قرار گرفت. نگرش سیاحان اروپایی نسبت به ایران منجر به پدید آمدن موج جدیدی در ادبیات اروپا (سفرنامه‌ها) با منشأ شرقی گردید، به گونه‌ای که قرن هفدهم میلادی را قرن سفرنامه‌ها می‌توان نامگذاری کرد. یکی از ویژگی‌های بارز این سفرنامه‌ها توجه آن‌ها نسبت به مسائل علمی و هنری ایران بود. تا جایی که سیاست، تجارت، علم و هنر انگیزه‌ی اصلی مسافرت‌ها در قرن هفدهم میلادی گردید. برخی از محققان در مورد اهمیت انگیزه‌ی علم و هنر برای مسافرت اروپاییان می‌گویند:

هر چه بیشتر دامنه‌ی علم و هنر پیش می‌رفت، به همان نسبت نیز دانشمندان انتظارات بیشتری از سفرنامه‌ها داشتند. آن‌ها می‌خواستند که سفرنامه‌ها راجع به دانش و هنر ایران اطلاعات وسیعی در اختیار آن‌ها قرار دهد. برای این که این سفرنامه‌ها یکی از

وسایل مهم کسب اطلاع دانشمندان اروپایی از علم و هنر ایران بود (همایون، ۱۳۴۸: ۸/۲۱۱).

از این رو در مورد ارزش علمی سفرنامه‌ها اشاره شده است:

«هر متخصص فنی از قسمت‌های مختلف علم و هنر می‌توانست با مراجعه به آن (سفرنامه‌ها) اطلاعات لازم را کسب نماید.» (همان)

این ارزش علمی و پیشرفت و تکامل سفرنامه‌ها موجب شد تا هنرمندان و نقاشان بزرگ، وقت خود را صرف مصور کردن آن‌ها نمایند.

نکته درخور توجه در این سفرنامه‌ها، توصیفات ارزنده‌ای است که بعضی از آن‌ها پیرامون بناهای تاریخی ایران - به ویژه اصفهان پایتخت صفویان - و چگونگی معماری آن‌ها ارائه داده‌اند. برخی از این سیاحان، ضمن مقایسه‌ی معماری بناهای اصفهان با بناهای اروپایی نکات درخور نگرشی را گوشزد کرده‌اند که توجه به آن‌ها می‌تواند به شناسایی مفاهیم معماری منتقل شده در این عصر کمک کند.

از این رو، نگارش سفرنامه‌ها و انتشار آن‌ها در مهم‌ترین شهرهای اروپا از مواردی است که می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. انتشار این سفرنامه‌ها که با حمایت حاکمان وقت آن کشورها یا با تلاش خود سیاحان صورت می‌گرفت و همچنین شناساندن ایران با تمام ویژگی‌های منحصر به فردش به اروپاییان و علاقه‌وافر مردم اروپا به آگاهی پیرامون دانش، هنر و صنعت هنرمندان این کشور نشان دهنده‌ی توجه فراوان کشورهای اروپایی برای آگاهی از اوضاع کشورهای مشرق زمین بوده است.

برون، هربرت، اولئاریوس، شاردن، دولیه ده لاند، کمپفر و سانسون از جمله کسانی بودند که ضمن توصیف بناهای اصفهان تصاویری از آن‌ها برداشته و در سفرنامه‌ی خود منتشر نمودند. انتشار تصاویر آثار تاریخی در اروپا بدون شک در انتقال مفاهیم معماری و اندیشه‌های معماران ایران در میان اروپاییان نقش بسزایی داشت. بدون شک با انتشار این تصاویر، زمینه برای الگوبرداری و شبیه‌سازی سبک معماری توسط معماران اروپایی فراهم گشت.

اهمیت این آثار به حدی است که سیاحانی مانند هربرت، شاردن و دلاواله را که در شناساندن ایران عصر شاه عباس اول به اروپا نقش مهمی ایفا نموده‌اند را از لحاظ علم تاریخ هنر و انتقال مضامین تمدنی به اروپا در اولویت قرار می‌دهند. به بیان دیگر می‌توان گفت کاری که هربرت برای مردم انگلیسی‌زبان کرد، شاردن مدتی بعد از وی برای

فرانسویان و دلاواله برای آشنایان به زبان ایتالیایی انجام داد. مطالعه‌ی نوشته‌های این سه سیاح اروپایی، تصویر بسیار جامع و دقیقی از عهد شاه عباس اول به دست می‌دهد. به گونه‌ای که به سختی می‌توان گفت که کدام یک از این سه نفر در شناسایی ایران عصر شاه عباس اول به اروپاییان نقش بزرگی ایفا نموده است (طاهری، ۱۳۴۴: ۲۵).

اروپاییان در این دوره قدرت برتر در شرق به شمار نمی‌آمدند و گرایش به نگرش برتر نسبت به شرق به تدریج در آنها شکل گرفت. با این وجود، گزارش‌های سیاحان در شکل دادن به این میل بی‌تأثیر نبود و این نوشته‌ها نمی‌توانست بدون تعصب یا عاری از پیش داوری باشد. انتشار این سفرنامه‌ها در اروپا، مورد توجه فلاسفه‌ی عصر روشنگری قرار گرفت و چهره‌هایی مانند روسو، ولتر و به ویژه مونتسکیو با خواندن این گزارش‌ها، در آنها به دریافت‌های جدیدی مبنی بر در نظر گرفتن جهان به عنوان کل و اروپا به طور خاص، رسیدند. به همین دلیل، سفرنامه‌ی شاردن منبع اصلی نوشتن کتاب «نامه‌های ایرانی» توسط مونتسکیو قرار گرفت. به گونه‌ای که مونتسکیو در ارائه‌ی تئوری خود مبنی بر رابطه بین آب و هوا و جامعه، به طور مستقیم از سفرنامه شاردن الهام گرفت. مونتسکیو در نامه‌های ایرانی، دولت و جامعه‌ی فرانسه را از طریق مکاتبات دو مسافر ایرانی که از پاریس دیدن کردند، مورد نقد قرار می‌دهد؛ به گونه‌ای که محققان در این اثر حدود ۳۸ رفرنس به سفرنامه شاردن را شناسایی کرده‌اند (Williamson, 2013: 75).

انتشار این سفرنامه‌ها به ویژه تصاویر همراه آنها علاوه بر انتقال مفاهیم هنر معماری ایران به اروپا، دانش نقشه‌کشی قرن هفدهم میلادی را نیز تحت تأثیر قرار داد. یافته‌های تجربی سیاحان؛ تجار و ماجراجویان در تکمیل دانش نقشه‌کشی نقش مهمی داشت. به گونه‌ای که این آثار امروزه منبعی برای تکمیل این دانش به حساب می‌آیند. آنها با نقشه برداری از سواحل ایران و توپوگرافی از بخش‌های داخلی که با دقت خاص صورت می‌گرفت، نقشه‌هایی شبیه به آنچه که امروزه از آنها وجود دارد، ارائه داده‌اند (Langer, 2013: 2).

از این رو، همانطور که اشاره شد؛ سفرنامه‌های منتشر شده در اروپا در بسط و گسترش فرهنگ ایرانی در میان اروپاییان نقش بسزایی داشت. انتشار این سفرنامه‌ها در قرن هفدهم میلادی زمینه‌ی آشنایی اروپاییان از ایران و در نتیجه انگیزه‌ای برای شکل‌گیری مراکز شرق‌شناسی و ایران‌شناسی به منظور شناخت مشرق زمین به طور اعم و ایران به طور اخص را به وجود آورد.

بنابراین مهم‌ترین راه‌هایی که در این عصر می‌توانست منجر به نقل و انتقالات فرهنگی و به ویژه در زمینه‌ی آثار هنری و از جمله هنر معماری گردد، یکی توجه به روابط سیاسی و تجاری ایران و اتریش بود که پیشتر این موضوع در قالب آمدن سفرا و آوردن هدایا مطرح گردید. اما دومین و مهم‌ترین راه نقل و انتقالات فرهنگی در این عصر که به شکل گسترده‌ای صورت گرفت و در شناساندن مضامین هنری و فرهنگی ایران به اتریش نقش آفرین بود سفرنامه‌ها و انتشار آن‌ها در اروپا بود. این مسأله به عنوان یک راه مستقیم آشنایی اروپاییان با ایران به طور اعم و به طور خاص در مورد تأثیر هنر معماری ایران بر معماری اتریش مطرح می‌شود.

بنابراین با توجه به این راه‌ها به نفوذ و تأثیری که مفاهیم هنر معماری ایران بر معماری اتریش داشته است، می‌پردازیم.

۵. روابط فرهنگی و هنری ایران و اتریش در عصر صفوی

با توجه به وجود چند معبد «مهر» در نقاط مختلف اتریش می‌توان آغاز رسوخ مضامین فرهنگی ایران به اتریش را در دوران باستان دانست. در آن دوره شورای معروفی که در قرن اول پیش از میلاد مسیح به نام «شورای اشراف» برای اعلام رسمیت آیین مهر در امپراتوری روم تشکیل شده بود، در محلی نزدیک شهر کنونی وین انعقاد یافت. بقایای مهرابه‌ی تاریخی «دویچ آلتن بورگ» در اتریش نیز یکی از بهترین آثار معابد مهر است که تاکنون در اروپا باقی مانده است. این مهرابه در منطقه‌ی «کارنونتوم» قرار دارد که یکی از مراکز اصلی آیین مهر در امپراتوری روم بود (شفا، ۱۳۴۸: ۵۴۵-۵۴۴). ولی روابط گسترده‌ی این دو امپراتوری از قرن ۱۰ ه. ق/ ۱۶ م و همزمان با حکومت سلسله‌ی صفویه در ایران آغاز گردید که این روابط در انتقال مضامین فرهنگی نقش مهمی ایفا نمود.

در جریان ورود سیاحان اروپایی به دربار صفویه، اتریشی‌ها کمترین سهم را داشتند؛ این امر را می‌توان به خاطر مسائل سیاسی، جنگ‌ها و ناامنی‌های حاکی از آن زمان جستجو کرد. به گونه‌ای که این مسأله فرصت جهانگردی و مجال نوشتن و انتشار سفرنامه‌ها را برای اتریشی‌ها در آن زمان به وجود نیاورد. اتریشی‌ها همچنین در عرصه‌ی دریانوردی که در آن زمان متداول‌ترین شیوه‌ی سفر بود و کشورهایمانند هلند و انگلستان در آن توانمند بودند، سهمی نداشتند. این مسائل باعث شد تا ره‌آوردهای اتریشی‌ها از ایران نسبت به سهمی که فرانسویان، هلندیان و سایر ملل اروپایی از ایران کسب نمودند، بسیار ناچیز باشد و آنچه که

بین ایران و اتریش در این دوره منتقل شد در پی تلاش‌هایی بود که به اقتضای زمان رخ داد.

کتاب «چهل ستون» اثر «پیتر بدیک» Peter Bedik از جمله سفرنامه‌هایی است که در زمینه هنر و تمدن ایران عصر صفوی تألیف گردید و در سال ۱۰۸۹ ه.ق/۱۶۷۸ م در وین به چاپ رسید. از نکات جالبی که در این سفرنامه به چشم می‌خورد یکی مقدمه آن است که به زبان فارسی نگاشته شده و دیگر روش نگارش آن به سبک نمایشنامه است و نگارنده سعی دارد از مشاهدات خود مناظر را چون صحنه‌های نمایشنامه‌ای به نظر خواننده بیاورد. از روی توصیفی که در مقدمه کتاب از چهل ستون ترسیم شده است می‌توان فهمید که نقاشی که از روی متن کتاب، تصویر چهل ستون را کشیده، این بنا را به اشتباه با ۴۰ ستون کشیده است (مؤید، ۱۳۵۶: ۳۸).

مقدمه‌ی کتاب که به فارسی ضعیف نوشته شده نشان دهنده‌ی عدم تسلط نویسنده به فارسی است. بدیک در این مقدمه ارادت خود را نسبت به امپراتور اتریش، «لئوپلد اول» Leopold I اظهار می‌دارد و کتاب خویش را به وی اهدا می‌کند. این سفرنامه را می‌توان از اولین اثرات و پدیده‌های زبان فارسی دانست که مستقیماً به اتریش راه یافته است (همان: ۴۰) و هم اکنون به عنوان یکی از نسخه‌های نادر موجود در کتابخانه‌ی ملی اتریش است. انتشار این سفرنامه همراه با سایر سفرنامه‌های دیگر در وین بدون شک در آشنایی هنرمندان و معماران اتریشی با آثار هنری ایران نقش مهمی داشته است.

۶. تأثیر معماری اصفهان عصر صفوی بر معماری وین

همان‌طور که اشاره گردید، شناخت مفاهیم هنر معماری اصفهان در سفرنامه‌های اروپایی عصر صفوی و چگونگی انتقال این مفاهیم به غرب و تأثیر نفوذ آن‌ها در سبک معماری اروپا زمینه‌های نفوذ هنر معماری اصفهان در برخی از بناهای اتریش را موجب گردیده است. یکی از راه‌های انتقال این اندیشه‌ها و مفاهیم، تصاویر و طرح‌هایی بود که سیاحان از بناهای تاریخی ایران ارائه داده‌اند و بعد از انتشار سفرنامه‌شان در اختیار علاقمندان به هنر معماری مشرق زمین قرار گرفت. در این زمینه می‌توان به عنوان نمونه از تأثیر معماری اصفهان بر معمار بزرگ دوره‌ی باروک، «یوهان برنهارد فیشر فن ارلاخ» (۱۱۳۴-۱۰۶۶ ه.ق/۱۷۲۲-۱۶۵۶ م) معمار و مهندس سلطنتی دربار هابسبورگ اتریش یاد کرد.

۷. یوهان برنهارد فیشر فن ارلاخ^۳

فیشر فن ارلاخ یکی از مشهورترین معماران سبک باروک ایتالیایی بود. وی تحصیلات خود را در رم به عنوان پیکرتراش به اتمام رساند و بعد از حدود دوازده سال زندگی در ایتالیا در سال ۱۰۹۸ ه.ق/۱۶۸۷ م به وین رفت. مطالعات معماری فیشر باعث گردید که وی به عنوان استاد وارث تاج و تخت، «ژوزف اول» Joseph I، منصوب شود. بعد از به تخت رسیدن امپراتور ژوزف اول، وی فیشر را در سال ۱۱۱۶ ه.ق/۱۷۰۵ م به عنوان معمار دربار منصوب نمود (Watkin, 2005: 323).

فیشر فن ارلاخ با ترکیب عناصر سبک معماری باروک ایتالیایی با سبک کلاسیک فرانسه، یک معماری تقریباً مجلل برای بیان شکوه و اقتدار امپراتوری هابسبورگ ایجاد کرد. وی به عنوان معمار سلطنتی در دوره‌ی ژوزف اول و دو امپراتور بعدی نه تنها برای مجموعه‌ی سلطنتی مجسمه‌ها و تندیس‌های کوچک ایجاد نمود بلکه تغییرات اساسی در معماری کاخ و عمارات سلطنتی به وجود آورد و کلیساهای مشهوری را در اتریش بنا نهاد. فیشر فن ارلاخ علاوه بر این که یک طراح بدعت‌گذار در زمینه‌ی معماری بود، یک نویسنده بزرگ در زمینه‌ی تاریخ معماری نیز به شمار می‌رفت (Pippal, 2001: 79).

فیشر بعد از طراحی و اتمام کاخ «شون برون» Schönbrunn Palace که برای ژوزف اول ساخته بود، توسط اسقف شاهزاده سالزبورگ به کار گرفته شد و طرح چندین کلیسای بزرگ را برای وی طراحی نمود. وی همچنین تعداد زیادی کاخ در وین ساخت، مانند کاخ زمستانی «اوژن ساووی» که بعداً توسط بزرگترین رقیب فیشر، «یوهان لوکاس فون هیلد برانت» Johann Lucas Von Hilde Brant تغییر یافت.

فیشر به عنوان معمار دربار سلطنتی مسئول تمام آثار ساختمانی در دربار سه امپراتور (ژوزف اول، چارلز پنجم Charles V و چارلز ششم Charles VI) اتریش بود. سومین آن‌ها چارلز ششم، آخرین مرد خاندان هابسبورگ از این خاندان و پدر «ماری ترزا» Maria Theresa بود. وی در این زمان دو مورد از مهم‌ترین آثار معماری خود به نام «کلیسای سنت کارل» Karl Kirche و «کتابخانه‌ی سلطنتی» Hofbibliothek را -که اکنون کتابخانه‌ی ملی اتریش است- ساخت.

در طول این زمان فیشر در کنار کارهای خود مشغول تدوین یک کتاب علمی تحت عنوان «یک برنامه‌ی معماری مدنی و تاریخی» EntwurfeinerhistorischenArchitektur در

زمینه‌ی مطالعه‌ی ساختمان‌های بزرگ تمدن‌های قدیمی شد. فیشر این کتاب را بعد از اتمام آن در سال ۱۱۳۳ه.ق/۱۷۲۱م به صورت نسخه خطی به چارلز ششم اهدا نمود.

این کتاب در سال ۱۱۳۳ه.ق/۱۷۲۱م به زبان آلمانی و فرانسوی به چاپ رسید و در سال ۱۱۳۷ه.ق/۱۷۲۵م تجدید چاپ شد و در سال ۱۱۴۲ه.ق/۱۷۳۰م به زبان انگلیسی ترجمه گردید. این کتاب که در زمینه‌ی تاریخ معماری است مجموعه‌ای برجسته از معماری جهان باستان، پیشرو و دایره‌المعارف و گلچینی از معماری مهم‌ترین ساختمان‌های باستانی و تاریخی دوران گذشته است (Watkin, 2005: 325).

این اثر تاریخی نمایانگر نبوغ، استعداد و دانش معماری فیشر است. عنوان این کتاب به این موضوع نمی‌پردازد که فیشر به تاریخ علاقمند است، بلکه شرحی از تصورات ذهنی او را در مورد معماری دوره‌های گذشته بیان می‌کند. در این کتاب برای اولین بار تاریخ معماری مهم‌ترین بناهای تمدن‌های گذشته تا زمان وی معرفی شدند.

گارنهام در کتاب خویش که به مطالعه‌ی معماری با نگاه استفاده یا سوءاستفاده از تاریخ در این زمینه می‌پردازد، به تفصیل در مورد فیشر و اثر او صحبت می‌کند. از دید وی اندیشه‌ی ایجاد چنین کتابی در زمینه‌ی تاریخ معماری به ملاقات فیشر با «کریستوفر رن» Christopher Wren در سال ۱۱۱۵ه.ق/۱۷۰۴م در لندن و الهام از وی بر می‌گردد. گارنهام در ادامه توضیح می‌دهد که در میان مقالات «رن» یک طرح نوشتاری در مورد معماری با عنوان «Tracts on Architecture» وجود داشت که به صورت جزئی به معماری معبد سلیمان در اورشلیم می‌پرداخت. این مسأله آغازی برای کار تاریخی فیشر گردید و با شرحی در مورد سایر ابنیه مانند برج بابل، اهرام مصر و غیره ادامه یافت (Gamham, 2013: 11). این کتاب در زمینه‌ی تأثیرپذیری معماری فیشر فن اراخ از معماری تمدن‌های مهم شرق و غرب و به ویژه ایران اهمیت بسیاری دارد (تصویر ۱).

تاریخ معماری فیشر در پنج بخش تألیف شده است. ابتکار فیشر فن اراخ در این زمینه منجر به توسعه‌ی معماری اروپا گردید که این مسأله از طریق آمیختن شیوه‌های معماری بناهای قدیمی و توجه بر معماری اسلامی، ایران و چین آن زمان صورت پذیرفت.

بخش اول این کتاب شامل بناهای باستانی یهودیان، مصریان، سوریانی، ایرانی و یونانی است (Fischer Von Erlach, 1730: 13). و با تجدید بنای معبد سلیمان آغاز می‌شود. وی برای درک بهتر در زمینه بازسازی براساس ریشه‌های اصلی آن به متن انجیل و توصیفات سیاحان در مورد این معبد مراجعه می‌کند. فیشر در این فصل همچنین به عجایب هفتگانه می‌پردازد

و برای آگاهی بیشتر در مورد آن بناها اشاره می‌کند که از توصیفات هردوت در مورد آن‌ها استفاده نموده است (Garnham,2013: 12).

فیشر در بخش دوم کتابش به معماری روم باستان و به ویژه معماری بنای «انجمن تراژان» توجه ویژه‌ای داشته است. کاربرد ستون‌های تراژان در آثار وی دال بر تأثیرپذیری فیشر از معماری این بنا است (Ibid:12).

بخش سوم این کتاب به تشریح ساختمان‌های عربی (مساجد مکه و کعبه)، ترکی (مسجد ایاصوفیه) (تصویر ۲)، ایرانی (تصاویری از پل‌های این شهر و کاخ عالی قاپو)، (تصویر ۳)، چینی (پکینگ، بتکده‌ی چینی در نانکینگ The Porcelain Pagoda in Nanking) که برجسته‌ترین معماری شرق بوده است، می‌پردازد (FischerVon Erlach,1730: 145-167).

بخش چهارم کتاب، ترسیم تصاویر مختلفی از طرح‌های ساختمانی جدید که بر اساس تصاویر منتشر شده و همچنین تصورات ذهنی او کشیده شده است. بخش پنجم کتاب نیز معماری باستانی یونان، روم و مصر را به شیوه‌ی جدید ارائه می‌دهد (Ibid:214-239). وی در مقدمه‌ی کتاب اشاره می‌کند که منظور وی از این کتاب بیشتر ایجاد ابتکار بوده است (Garnham,2013: 12-13).

بنابراین می‌بینیم که فیشر فن ارلاخ، چگونه تاریخ را مبنایی برای معماری قرار داد و با ترکیب و اتصال سبک‌های مختلف به ارائه‌ی آثار خویش پرداخت.

۸. مصادیق تأثیرپذیری یوهان بر نهارد فیشر فن ارلاخ از معماری اصفهان

فیشر فن ارلاخ که در مورد معماری غرب و شرق مطالعاتی انجام داده بود و به عنوان معمار و سرمهندس ویژه‌ی دربار هابسبورگ اتریش جایگاه ممتازی کسب نموده بود، متوجه شکوه معماری اصفهان عصر صفوی می‌شود. وی در تألیف کتاب معماری خود، از معماری و شهرسازی پرشکوه سلطنتی اصفهان می‌نگارد و آنچه را از سفرنامه‌های سیاحان در این زمینه درک نموده را با تصورات و ایده‌های خود بر روی کاغذ می‌آورد. وی حتی چندین تصویر چاپ شده از سفرنامه‌ها را کپی نموده و برخی از آن‌ها را که برایش قابل فهم نبوده را با تصورات شخصی خود بازسازی می‌کند (مؤید، ۱۳۹۲: ۲۲۵).

طرح‌هایی که فیشر فن ارلاخ برای ویلاهای بیلاقی نقاط مختلف اتریش می‌کشد، نشان می‌دهد که وی تحت تأثیر هنر معماری دوره‌ی صفویه و بخصوص کاخ عالی قاپو در

اصفهان قرار گرفته است (همایون، ۱۳۵۰: ۵) که این مسأله در بخش سوم کتاب وی، با ارائه‌ی تصاویری از معماری عصر صفوی - کاخ عالی قاپو و سی و سه پل - به روشنی مشخص است.

چگونگی تأثیرپذیری فیشر فن اراخ از معماری عالی قاپو را، گارنهام این گونه توضیح می‌دهد؛ همه‌ی ساختمان‌های طراحی شده توسط فیشر در قالب مجموعه‌ای از مناظر که بیانگر متن فرهنگی آن جوامع است به تصویر کشیده شده‌اند (Gamham, 2013: 13). گارنهام، به این مطلب اشاره می‌کند که هر یک از این بناها که توسط فیشر به تصویر کشیده شده است بر اساس تصاویری است که سیاحانی که از این سرزمین‌ها گذشته‌اند و تصاویری از آن بناها را در اثر خویش کشیده‌اند، بوده است. این درحالی است که فیشر به آن‌ها - سیاحان - در این زمینه هیچ گونه سفارش و یا توصیه‌ای نکرده است (Ibid: 13).

برخی از محققان مانند «جورج کونوت» George Kunoth با تجزیه و تحلیل آثار فیشر فن اراخ، طرح‌های ویلاهای بیلاقی وی را تحت تأثیر دو سفرنامه‌ی شاردن و برون می‌داند. در صورتی که با قدری تعمق در کارهای فیشر و مقایسه آن‌ها با طرح‌های مندرج در سفرنامه‌های مختلف این موضوع روشن می‌شود که فیشر تحت تأثیر طرح‌های سفرنامه‌های سانسون و ته ونو قرار گرفته است. علت این اشتباه جورج کونوت در معرفیت شاردن و برون به عنوان سیاحانی که به اصفهان سفر کرده و سفرنامه‌هایشان به عنوان کتاب‌های بالینی در اختیار بزرگان اروپایی قرار گرفته است، بوده است (همایون، ۱۳۵۰: ۶).

نحوه‌ی تأثیرپذیری فیشر از معماری عالی قاپو براساس تصاویر سفرنامه‌ی سانسون بدین گونه است:

فیشر پس از این که از طرح‌های سفرنامه‌ی سانسون رونوشت برداشت طرحی دیگر تهیه نموده و زیر آن با خط خود می‌نویسد «پروژه‌ی یک باغ - ساختمان نوع جدید ساختمان‌های ایرانی» قسمت وسطی این طرح عمارت عالی قاپو را نشان می‌دهد که به وسیله ساختمان‌های جوانب آن که برای معماری این دوره از اروپا یعنی معماری باروک نمونه‌ای است مشخص احاطه گردیده است. این طرح در مرکز ثقل یک ردیف از طرح‌های فیشر قرار می‌گیرد که بعضی از آن‌ها به مرحله‌ی عمل درآمده و ساخته شده و برخی دیگر در همان مرحله‌ی افکار روی کاغذ باقی مانده است. (همان: ۱۲)

بنابراین می‌توان گفت، عالی قاپو از جمله بناهایی می‌باشد که بر معماری اتریش تأثیر فراوان گذاشته است. کاخ «کلس هایم» KlessHaim (تصویر ۴) که توسط فیشر فن ارلاخ طراحی شده از بناهایی است که ستون‌ها و تراس‌های آن به شکل عالی قاپوی اصفهان ساخته شده است (راعی، ۱۳۷۳: ۲۹۲). لوکاس فون هیلد برانت در طراحی کاخ «گارتن پلس GartenPalast» و «بلودر Belvedere» (تصویر ۵) نیز به معماری عالی قاپو توجه داشته است.

در ادامه برای آشنایی بیشتر در زمینه تأثیر هنر معماری ایران عصر صفوی در اتریش به معرفی دو اثر از مهم‌ترین شاهکارهای معماری یوهان برنهارد فیشر فن ارلاخ می‌پردازیم که در بنای آن‌ها علاوه بر معماری عصر صفویه، به معماری هخامنشی نیز توجه نموده است.

۹. کلیسای سنت کارل

مسحورکننده‌ترین اثر فیشر فن ارلاخ، «کلیسای سنت کارل» (۱۱۴۵-۱۱۲۸ه.ق/۱۷۳۳-۱۷۱۶م) در وین است. کلیسای کارل که به گونه‌ای روشن، معرف عنوان کتاب فیشر فن ارلاخ در زمینه تاریخ معماری است، گلچینی از تصاویر کشیده شده‌ی کتاب فیشر را به نمایش می‌گذارد و ترکیب بی‌نظیری از عناصر تاریخ معماری را در خود منعکس می‌دهد (Garnham, 2013: 14).

کلیسای سنت کارل، یکی از بهترین نمونه‌های کلیساهای دوره‌ی باروک و نقطه‌ی عطفی در معماری وین به شمار می‌آید که به دستور امپراتور چارلز ششم، توسط یوهان فیشر فن ارلاخ در ۱۱۲۷ه.ق/ ۱۷۱۵م ساخته شد. در سال ۱۱۲۴ه.ق/ ۱۷۱۳م طاعون سیاه در وین شیوع پیدا کرد. امپراتور چارلز ششم به منظور رهایی وین از این بیماری نذر کرد که کلیسایی برای تشکر از خداوند و به نام «سنت چارلز برومه Borromeo St. Charles» اسقف مشهور ایتالیای قرن ۱۰ه.ق/ ۱۶م که زندگی‌اش را وقف خدمت به قربانیان طاعون نموده بود، بسازد (Pippal, 2001: 88; Watkin, 2005: 324).

بعد از مرگ فیشر در تاریخ ۲۸ جمادی الثانی ۱۱۳۵ه.ق/ ۵ آوریل ۱۷۲۳م این اثر توسط پسرش «جوزف امانوئل فیشر فن ارلاخ Joseph Emmanuel Fischer von Erlach» (۱۱۵۵-۱۱۰۴ه.ق/ ۱۷۴۲-۱۶۹۳م) که علی‌رغم رقابت و تلاش‌های هیلد برانت توانست در جایگاه و موقعیت پدرش قرار بگیرد- تکمیل شد (Watkin, 2005: 325).

این کلیسا شاهکار فیشر و یکی از خلاقیت‌های معماری برجسته وی در هنر غرب بوده است. فیشر فن ارلاخ در کشیدن طرح آن به آثار تاریخی در معماری گذشته و حال توجه نمود. ایوان مرکزی کلیسا، یادآور ایوان ستون‌دار معبد پانتئون در روم است که تلاشی برای احیای شکوه روم باستان در انتصاب چارلز ششم به عنوان امپراتور مقدس روم می‌باشد. فیشر همچنین با به کارگیری دو ستون در هر دو طرف ایوان، تقلیدی باشکوه از ستون‌های تراژان روم ارائه داده است. مناره‌های قابل توجه گوشه‌ی ستون‌ها و تقریباً گنبد آن برگرفته از مساجد اسلامی مثل مسجد ایاصوفیه در قسطنطنیه و مساجد اصفهان است (تصویر ۶) (Ibid: 324؛ Garnham, 2013: 14).

با توجه به مطالبی که گارنهام در مورد کتاب فیشر فن ارلاخ ارائه داده است، فیشر در طرح این کلیسا به بخش‌های دوم و سوم کتاب خویش که در مورد معماری روم باستان و به خصوص بخش سوم که دربرگیرنده‌ی معماری معاصر وی در مشرق زمین یعنی سبک معماری اسلامی بوده، توجه داشته است. این مسأله از روی تصاویری که وی در مورد معماری اسلامی ارائه داده است به خوبی تأییدی در تأثیرپذیری وی از سبک معماری ایرانی-اسلامی است که در برج‌های کلیسای کارل به نمایش درآمده است.

۱۰. کاخ شون برون

در سال ۱۱۰۷ ه.ق/ ۱۶۹۶ م امپراتور لئوپلد اول، به فیشر دستور داد تا قصر جدیدی برای فرزندش ژوزف اول در شون برون که در حومه‌ی وین قرار دارد، بسازد. فیشر، چند سال قبل طرح معروف اولیه‌ی خود را برای ساختن این کاخ به دربار ارائه داده بود. این پروژه یک طرح ترکیبی از عناصر باروک ایتالیایی و فرانسوی بود که در آن برخی از طرح‌های باستانی که فیشر طی مطالعات خود به آن‌ها دست یافته بود را نیز دربرمی‌گرفت. (Watkin, 2005: 325). عناصر به کار گرفته شده در طرح کاخ شون برون که نشان از توجه فیشر فن ارلاخ به تاریخ معماری بناهای باستانی است و در بخش اول کتاب او به این زمینه می‌پردازد، انعکاسی از معماری روم (ستون تراژان، معبد فورتون)، معماری ایران باستان (پرسپولیس) و همچنین معماری ورسای به ویژه طرح‌های «جیان لورنزو برنینی» Gian Lorenzo Bernini در لوور LouvreThe بود (Ibid: 323). فیشر سعی داشت به لحاظ فرهنگی و سیاسی بنایی هم‌تراز با کاخ‌های ورسای ایجاد نماید.

همان طور که خود فیشر فن اراخ در بخش اول کتاب خود به معماری پرسپولیس از ایران توجه داشته است در طرح کاخ شون امپراتور لئوپلد اول، «معتقد بود که این کاخ باید چون کاخ تخت جمشید [پرسپولیس] در تپه‌ای بلند ساخته شود تا از پنجره‌های آن مرزهای مجارستان رؤیت گردد» (راعی، ۱۳۷۳: ۲۹۲). به کارگیری ستون‌های بلند و متعدد در این بنا نیز تأثیر پذیرفته از معماری هخامنشیان است (تصویر ۷).

در قرن هیجدهم، یکی از تالارهای این کاخ به دست یک هنرمند ایرانی که به دعوت دربار اتریش به وین رفته بود، با مینیاتورهای ایرانی تزئین گردید. این تالار که در زمان مسافرت رسمی مظفرالدین شاه قاجار به اتریش اقامتگاه او بود، به «تالار میلیونی» معروف گردید. در این تالار تعداد زیادی مینیاتور هندی و فارسی وجود دارد و امروزه نیز از نظر هنری نفیس‌ترین اتاق این کاخ به شمار می‌آید (تصویر ۸) (نژند و پروین، ۱۳۵۰: ۳۲).

نوع آرایش و تزئین این تالار همچنین در سفرنامه‌ی فرخ خان امین الدوله، سفیر ناصرالدین شاه به اروپا، که ضمن سفرش به وین از این کاخ دیدن کرده بود، براساس اسلوب ایرانی است. وی اشاره می‌کند که در زمان پادشاهی ماری ترزا اتاق‌های این کاخ؛ «هرکدام بطرح معماری مملکتی معمور و با جنس آن مملکت آرایش گردیده است... اتاق ایرانی با طرح اتاق‌های ایرانی و تصویر کاریهای ایرانی و همه اسباب آنجا نیز مال ایران بود» (سرابی، ۱۳۷۳: ۴۰۲).

از این رهگذر می‌توان تأثیر معماری اصفهان عصر صفوی را بر معماری کشور اتریش، درک نمود. ذکر چند نمونه بنا از آثار ساخته شده در وین، نشان از تأثیر این هنر ایرانی است که توسط علاقمندان به فرهنگ و هنر مشرق زمین در اروپا بسط یافت و فرصتی برای انتقال سبک هنرمعماری ایران را در اروپا فراهم آورد.

۱۱. نتیجه‌گیری

روابط ایران و اتریش که در دوره‌ی صفویه رو به فزونی گذاشته بود، منجر به آشنایی این دو امپراتوری از راه‌های گوناگون گردید و در مواردی نیز زمینه‌ی دادوستدهای فرهنگی-تمدنی به ویژه در زمینه‌ی هنرمعماری را فراهم آورد.

یکی از مهمترین راههای تأثیر معماری اصفهان بر وین در این دوره، آمد و رفت هیأت های سیاسی و تجاری دربارهای اروپایی به ویژه امپراتوری هابسبورگ و ایران به سرزمین های همدیگر بود. آمدن این هیأتها و آوردن هدایایی برای سلاطین همدیگر، زمینه را برای آشنایی بیشتر این دو امپراتوری و نقل و انتقالات فرهنگی میان آنها فراهم آورد و باعث گردید که بهترین آثار و صنایع دستی مانند فرش به عنوان هدیه‌ی سلاطین ایران به دربارهای اروپایی از جمله -امپراتوری هابسبورگ- راه پیدا کند و از سوی دربار هابسبورگ نیز تابلوهای نقاشی و صنایع ظریفه به دربار ایران راه یافت و موجب آشنایی هنری این دو امپراتوری از فرهنگ و تمدن همدیگر گردید.

یکی دیگر از مهمترین راههای تأثیرگذاری هنرمعماری ایران بر اتریش در این دوره سفرنامه‌ها بود. آمدن سیاحان اروپایی به ایران در قرن ۱۷ه.ق/۱۷م با نوشتن گزارشاتی در مورد هنرمعماری کاخ‌ها و بناهای اصفهان و کشیدن طرح‌هایی از آنها همراه بود، که این امر باعث گردید، بعد از انتشار سفرنامه‌هایشان در اروپا، مضامین هنرمعماری ایران مورد توجه برخی از معماران اتریشی قرار بگیرد و زمینه را برای الگوبرداری آنان از معماری اصفهان به ویژه معماری عالی قاپو فراهم آورد.

یوهان برنهارد فیشر فن ارلاخ یکی از این معماران اتریشی بود که تحت تأثیر تصاویر و توصیفات سفرنامه‌ها از معماری عالی قاپو قرار گرفت و در طراحی کاخ کلاس هایم، به ویژه ستون‌ها و تراس‌های آن از معماری این کاخ الگو گرفت.

وی همچنین با الهام گرفتن از معماری باستانی ایران، کاخ شون برون را متأثر از معماری تخت جمشید بر روی یک تپه بلند ساخت و از ستون‌های بلند و متعدد آن نیز در طراحی این کاخ بهره گرفت. فیشر در معماری گنبد و مناره‌های کلیسای سنت کارل از معماری اسلامی اصفهان و عثمانی (مسجد ایاصوفیه) نیز الگو گرفت.

الگو پذیری از معماری ایران در این دوره منحصر به فیشر فن ارلاخ نبود، لوکاس فون هیلد برانت از دیگر معماران اتریشی معاصر فیشر فن ارلاخ بود که تحت تأثیر فیشر از معماری عالی قاپو در طراحی کاخ بلودر و گارتن پلس بهره گرفت.



نقشه‌ی معماری تمدن‌های باستانی

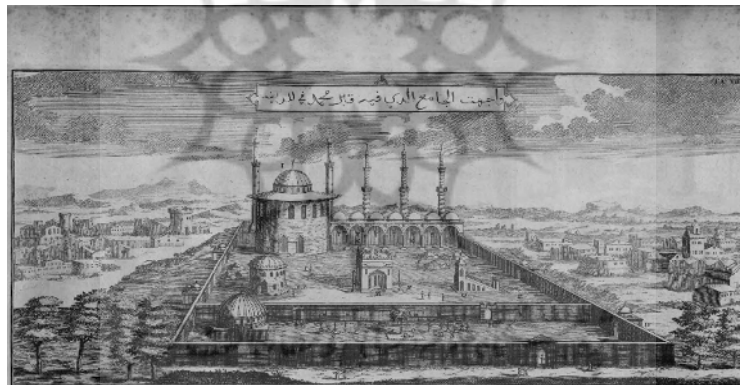


خلیج فارس و معماری تخت جمشید (پرسپولیس)

تصویر ۱- نقشه‌ی معماری تمدن‌های باستانی (به عنوان نمونه: ایران)

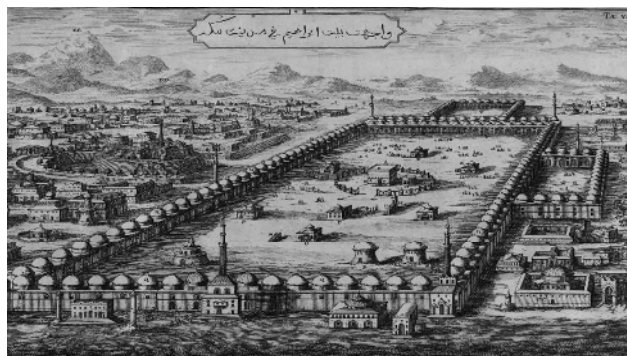


مسجد ایاصوفیه - استانبول



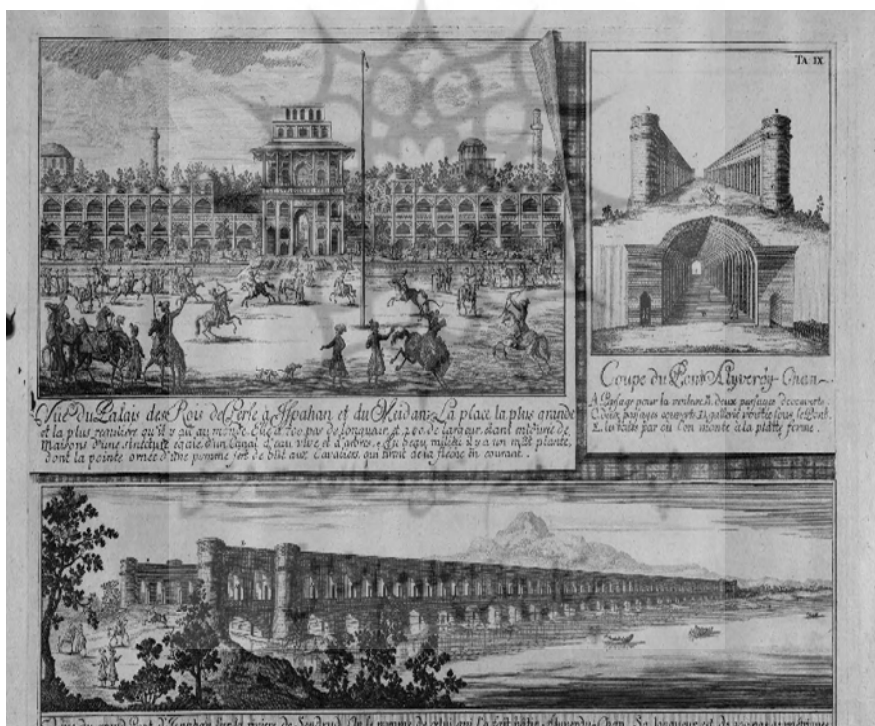
مسجد جامع النبی - مدینه

چگونگی انتقال مفاهیم هنر معماری ایران به اتریش در عصر صفوی ۱۰۱



کعبه - مکه

تصویر ۲- مسجد ایاصوفیه، مسجد النبی و کعبه

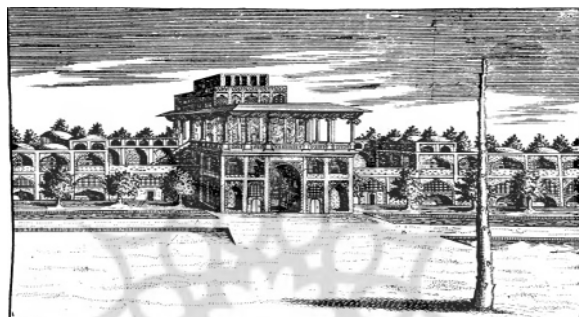


سی و سه پل و کاخ عالی قاپو - کتاب فیشر فن اراخ

۱۰۲ جستارهای تاریخی، سال دهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۸



سی و سه پل - سفرنامه سانسون



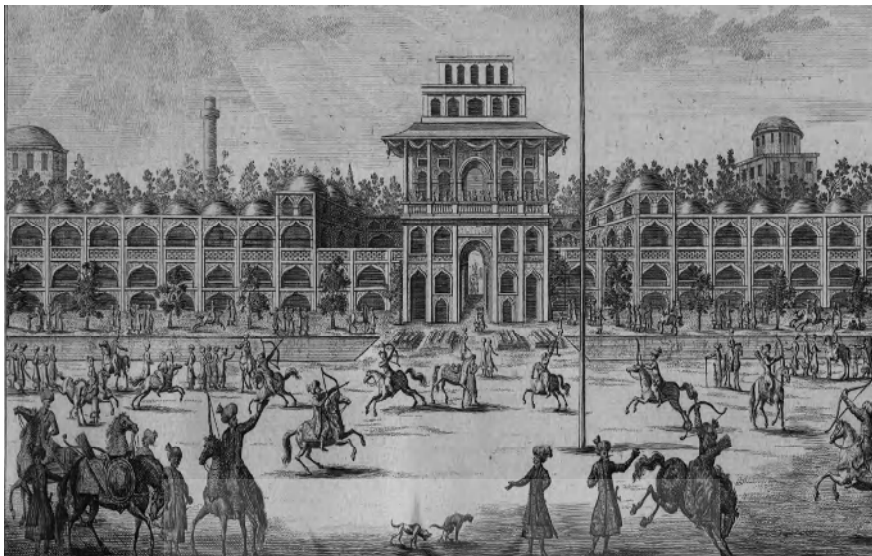
کاخ عالی قاپو - سفرنامه سانسون

تصویر ۳- سی و سه پل و کاخ عالی قاپو



کاخ کلس هایم - وین

چگونگی انتقال مفاهیم هنر معماری ایران به اتریش در عصر صفوی ۱۰۳



کاخ عالی قاپو-اصفهان

تصویر ۴- مقایسه‌ی تطبیقی کاخ کلس هایم و کاخ عالی قاپو



کاخ بلودر-وین



کاخ عالی قاپو - اصفهان

تصویر ۵- مقایسه‌ی تطبیقی کاخ بلودر و کاخ عالی قاپو



تصویر ۶- کلیسای سنت کارل - وین

چگونگی انتقال مفاهیم هنر معماری ایران به اتریش در عصر صفوی ۱۰۵



کاخ شون برون - وین



کهن ترین طراحی از تخت جمشید اثر دلد



تصویر تخت جمشید در سفرنامه‌ی شاردن و دلد

تصویر ۷- کاخ شون برون - وین



تصویر ۸- تالار میلیونی - کاخ شون برون

پی‌نوشت‌ها

۱. کارل پنجم موسوم به شارل کن (۱۵۵۵-۱۵۱۶م)، وی پادشاه اتریش، اسپانیا، ساردنی، سیسیل، ناپل و مستعمرات پهناور اسپانیا در قاره‌ی آمریکا بود. او از جانب خاندان پدیری متعلق به سلسله‌ی سلطنتی هابسبورگ اتریش و از جانب مادری نواده‌ی فردیناند، پادشاه کاستیل بود. این پادشاه، امپراتور مقتدر هابسبورگ اسپانیا را در قرن ۱۰ه.ق/۱۶م بنیان نهاد (شکل ۲-۳) (دولاندلن، ۱۳۴۷: ۲/۴۰).

۲. قدرت یابی عثمانیان و تسلط امپراتوری عثمانی بر کشورهای چون بلغارستان و صربستان در نبرد «آمل فلد» در سال ۱۳۸۹/ق.ه.۷۹۰م و همچنین فتح قسطنطنیه توسط سلطان محمد فاتح در سال ۱۴۵۳/ق.ه.۸۵۶م و سقوط امپراتوری مسیحی طرابوزان در آسیا (۸۶۶/ق.ه.۱۴۶۲م) توانست امپراتوری عثمانی را با امپراتوری خاندان هابسبورگ در اتریش هم‌مرز نماید به گونه‌ای که خطر مسلمانان عثمانی و نبردهای آنان موجب ترس خاندان هابسبورگ که بر بخش وسیعی از اروپا مسلط بودند، گردید (راعی، ۱۳۷۳: ۲۴۵).

3. JohannBernhardFischervonErlaach

کتاب‌نامه

- راعی، انسیه (۱۳۷۳). *اتریش*. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- سرابی، حسین بن عبدالله (۱۳۷۳). *سفارت فرخ خان امین‌الدوله (مخزن الوقایع)*. به کوشش کریم اصفهانیان و قدرت الله روشنی، تهران: دیبا.
- شاردن، ژان (۱۳۴۵). *سیاحتنامه شاردن*. ترجمه‌ی محمد عباسی، ج ۷ و ۸، تهران: امیرکبیر.
- شفاء، شجاع‌الدین (۱۳۴۸). *جهان‌ایرانشناسی*. تهران: چاپ افست کیهان.
- طاهری، ابوالقاسم (۱۳۴۴). *ایران از نظر بیگانگان*. بی‌جا: یکی از نشریات شعبه فارسی بنگاه رادیوی لندن.
- مورگنسترن، لور (۱۳۸۷). *سیری در هنر ایران*. زیر نظر آرتور آپهام پوپ و فیلیس اکرم، مترجمان نجف دریابندری و دیگران، جلد سوم، تهران: علمی-فرهنگی.
- مؤید، احسان الله (۱۳۵۶). *گنجینه‌های هنر و معماری ایران در اطریش (کتاب چهلستون)*. مجله هنر و مردم، ش ۱۷۵، صص ۴۲-۳۸.
- _____ (۱۳۹۲). تأثیر معماری ایران در آثار معمار باروک اطریشی «فیشر فن ارلاخ»؛ مجموعه مقالات معماری ایرانی. به اهتمام محمد عبدلی و راضیه گرکنی، تهران: مؤسسه انتشاراتی جمال هنر.
- نژند، سعید؛ پروین، علی اصغر (۱۳۵۰). *موزه‌های جهان و آثار هنری ایران*. شیراز: دانشگاه پهلوی.
- همایون، غلامعلی (۱۳۴۸). *اسناد مصور اروپائیان از ایران از اوائل قرون وسطی تا اواخر قرن هجدهم*. جلد اول، تهران: چاپخانه دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۵۰). نفوذ معماری ایران بر معمار معروف اطریش به نام یوهان فیشر فن ارلاخ. مجله بررسی‌های تاریخی، شماره مخصوص، صص ۱۴-۱.

Fischer Von Erlach, Johann Bernhard.(1730). A plan of civil and historical architecture, the representation of the most noted buildings of foreign nations, both ancient and modern: taken from the most approv'd historians, original medals, remarkable ruins, and curious authentick designs. Translated of German by ThomasLediard. London: printed at the expense of the proprietor.

Garnham. T. (2013). *Architecture Re – Assembled : The use and abuse of History*. Canada: Routledge.

Langer. A. (EDT). (2013). *The fascination of Persia : the Persian-European dialogue in seventeenth-century art & contemporary art from Tehran*. Zürich : Verlag Scheidegger & Spiess AG.

Pippal. M. (2001). *A short history of Arts in Vienna*. Translated of German by Michael Foster. Munchen: Beck.

Watkin.D. (2005). *A History of Western Architecture*. London: Laurence King Publishing.

Williamson. C. (2013). Safavid Persia Through the Eyes of French Travellers. Australia: La-Trobe-Journal.No.91. pp. 65-75.

